

Controlling Waste Crimes: From Criminal Subjugation to Regulatory Compliance

 Jafar Sarvi

Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Mashhad, Iran
jafarsarvi776@gmail.com

Abstract

The effectiveness of control regulations and processes regarding waste crimes has declined due to a failure to secure citizen participation. The primary reasons for this failure appear to be the design of processes based on overt coercion and the centrality of a power-oriented discourse. The unilateral logic of the state, the utilization of coercion as a first resort, conflicts of interest, and a lack of diversity and flexibility in responses have positioned citizens to view waste crime regulations as unjust and unfair, thereby diminishing their willingness to comply. Furthermore, the concentration of interventionist measures on the urban poor for whom waste-related offenses often constitute a lifestyle and a survival strategy for daily livelihood indicates a decline in ethical standards, creating a dissonance between legal enforcement and the values accepted by the citizenry.



Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 4 | Fall 2025 and
Winter 2026
(Original Article)

<https://jclc.ilrc.ac.ir>

DOI:
10.22034/jclc.2025.2058605.1183

Effective control of waste crimes requires a social context capable of fostering dialogue and stimulating mutual responsibility to promote voluntary and self-willed compliance. The goal is to replace the logic of overt force with an inherent obligation embedded within procedural fairness and civic motivation. The “Responsive Regulation” approach has demonstrated practical capacity in this regard, provided it aligns with the specific characteristics of waste crimes, respects local socio cultural components, and integrates restorative justice principles at the level of citizen interaction. Currently, waste crime control in Iran lacks a transparent theoretical framework, a deficiency that has paved the way for expansive and arbitrary interpretations. Adopting a descriptive-analytical method based on library research, this article aims to establish a theoretical framework to answer two key questions: What are the consequences of the current logic governing waste crime control? And, given the nature of these crimes, what logic guarantees necessary efficiency? By examining the draft of the new *Waste Management Law*, this study proposes a “Responsive Regulation Pyramid” as an optimal intervention model.

Keywords: Waste Crimes; Responsive Regulation; Coercion; Regulatory Pyramid; Restorative Justice.



کنترل جرایم پسماندی، از انقیاد کیفری تا تبعیت تنظیمی

جعفر سروی



دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مشهد، ایران
Jafarsarvi776@gmail.com



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و
جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۴ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jclc.2025.2058605.1183

چکیده

اثر بخشی مقررات و فرایندهای کنترلی جرایم پسماندی به دلیل ناتوانی در جلب مشارکت شهروندان روبه کاهش نهاده است. به نظر میرسد از عمده ترین دلایل این امر، طراحی فرایندها و رویه‌ها بر اجباری آشکار و محوریت گفتمان قدرت باشد. منطق یکسویه دولتی، بهره مندی از اجبار آشکار به عنوان اولین گزینه، تعارض منافع، فقدان تنوع و انعطاف در پاسخ‌ها، شهروندان را در موضعی قرارداده است که مقررات کنترلی جرایم پسماندی را غیر عادلانه و غیر منصفانه تلقی نموده و در تبعیت از آن مشتاق نباشند. علاوه بر این، تمرکز اقدامات مداخله‌ای بر تهیدستان شهری، که وقوع جرایم پسماندی در مواردی سبک زندگی ایشان و راه حلی برای معیشت روزانه آن‌ها محسوب می‌گردد، حاکی از کاهش معیارهای اخلاق دارد و شهروندان آن را منطبق با ارزش‌هایی که مورد قبول ایشان است نمی‌دانند.

کنترل جرایم پسماندی نیازمند بستری اجتماعی برخوردار از توان ایجاد گفتگو و برانگیختن مسئولیت پذیری دوسویه است که تبعیت داوطلبانه و خودخواسته شهروندان را ترویج نماید و بجای بهره مندی از منطق اجبار آشکار قهری، الزام نهفته در لایه لایه رویه ها و اشتیاق را جایگزین آن نماید. رویکرد تنظیم گری پاسخگو در عمل نشان داده است در صورتی که با ویژگی‌های جرایم پسماندی همخوان گردیده و مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی محل پیاده سازی را رعایت نماید و در سطح تماس با شهروندان با رویکرد عدالت ترمیمی‌محین گردد، از این ظرفیت برخوردار است. کنترل جرایم پسماندی در ایران از چارچوب نظریه‌مند شفاف‌سازی برخوردار نیست که این امر راه را برای تفاسیر موسع هموار نموده است. این مقاله که به روش توصیفی، تحلیلی و برپایه مطالعات کتابخانه‌ای تدوین یافته، در راستای فراهم آوردن چارچوبی نظریه‌مند، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که منطق فعلی حاکم بر کنترل جرایم پسماندی چه نتایجی را به دنبال داشته است؟ و با توجه به ویژگی‌های این جرایم، چه منطقی می‌تواند از کارآمدی لازم در کنترل برخوردار باشد؟ این مقاله ضمن بررسی پیش نویس قانون جدید مدیریت پسماند، نوعی هرم تنظیم گری پاسخگو را به عنوان الگوی مداخله پیشنهاد می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: جرایم پسماندی، تنظیم گری پاسخگو، اجبار،

هرم، عدالت ترمیمی

مقدمه

امروزه اثرات تخریبی سکونت بشر بر کیفیت زیست شهروندان، ضرورت حفظ محیط زیست شهری را بیش از هر زمان دیگری در مرکز توجه قرار داده است. جرایم پسماندی^۱ امروزه از شایع ترین رفتارهای مخرب محیط زیست شهری است و در تمامی نظام های حقوقی متناسب با رویکرد سیاست جنایی حاکم بر آن کشور، نوعی از روش کنترل انتخاب گردیده است. در ایران، کنترل این رفتارها تحت حاکمیت قانون مدیریت پسماندها و آیین نامه های اجرایی آن می باشد^۲. در این قانون، کنترل از مسیر وضع مجازات های کیفری و طراحی فرایندهای مداخله ای قهری پایه گذاری گردیده است. بررسی های اولیه موید آنست که نتایج اجرای ۲۰ ساله این قانون علیرغم حجم گسترده مداخله های قضایی و صرف هزینه های هنگفت، غیر قابل دفاع بوده^۳ و به جز مواد مرتبط با کیفردهی، هیچ یک از مواد دیگر، به مرحله اجرا نرسیده است. قانون گذار ایرانی این عدم اثربخشی را به بازدارنده نبودن کیفرها استناد داده و در قانون جدیدی که در دست تصویب دارد مجدداً به توسعه و تشدید کیفرها و بهره مندی از روش های ابزاری اندیشیده است^۴.

به نظر میرسد علت عمده این ناکارآمدی، عدم درک واقعی از علل و زمینه های وقوع این رفتارها و اصرار بر اعمال اجبار و زور و غفلت از ظرفیت های جامعه‌وی در کنترل آن باشد. کنترل جرایم پسماندی بیش از آنکه موضوعی حقوقی و نیازمند مداخله های قضایی باشد، از ماهیتی مردم محور و فرهنگی - اجتماعی برخوردار بوده و نیازمند راهکارهای اجتماع محور^۵ است. اگرچه کنترل جرایم پسماندی ایران فاقد هرگونه چارچوب نظری روشن بر پایه نظریه های جرم‌شناسانه می باشد با این وجود بررسی های اولیه قانون، خواننده را به

^۱ Waste crimes

^۲ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳

^۳ در بهترین حالت بالاترین نرخ تفکیک زباله از مبدأ در شهرهای ایران ۱۴ درصد و آمار وقوع جرائم پسماندی مایوس کننده است

^۴ برای بررسی در مورد پیش نویس جدید اصلاح قانون مدیریت پسماند به تارنمای <https://dotic.ir/news/17813>

^۵ Community-based approach

این جمع بندی می‌رساند که نظریه حاکم بر این قانون، نظریه انتخاب عقلایی^۱ می‌باشد. فرض طراحان این قانون این بوده که با تشدید کیفرها و ترویج گفتمان قدرت، شهروندان نفع خود را در تبعیت از مقررات دیده و در نتیجه، ارتکاب این رفتارها کاهش می‌یابد. اما در عمل، تصویری قیم مآبانه، نامتجانس با واقعیت های شهری و ناکارآمد از فرایند نشان داده اند، چرا که باعث گردیده در مواردی شهروندانی مورد مداخله کیفی قرار گیرند که این رفتارها سبکی از زندگی و یا شکلی از فقر ایشان است و به دلیل انباشت کمبود منابع در مناطق نابرخوردار شهری، تمرکز اقدامات مداخله ای بر ایشان را به دنبال داشته است. در مواردی، همانند مداخله کیفی در کودکان زباله گرد، شهروندان این مداخله ها را غیرمنصفانه، فاقد مشروعیت و نامحترمانه میدانند و از تمکین به آن خودداری میکنند. از جانب دیگر غلبه معادلات تجاری در سراسر قانون و آیین نامه های اجرایی آن از جنبه انسانی فرایند کنترل کاسته و تجاری سازی و نوعی پیمانکارسالاری را حاکم نموده است. به نظر می‌رسد از عوامل تسهیل انتخاب این رویکرد، فقدان مطالعات جرم‌شناسانه پیرامون راهکارهای جایگزین بوده که مجریان را به سمت بهره بردن از گزینه های در دسترس سوق داده است. بررسی های محقق گویای آنست که به جز گزارش های روزنامه ای و احساسی، تاکنون مطالعه ای در خصوص این بُعد از مسئله کنترل پسماند در ایران صورت نگرفته است.^۲ این مقاله که به روش توصیفی، تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه ای تدوین یافته به دنبال پاسخ گویی به این پرسش است که منطق فعلی حاکم بر کنترل جرایم پسماندی چه نتایجی را به دنبال داشته است؟ و با توجه به ویژگی های این جرایم چه منطقی می‌تواند از کارآمدی لازم در کنترل برخوردار باشد؟ در طول بررسی تمرکز اصلی بر بررسی قانون موجود و فرایندهای فعلی آن است اما به تناسب نیم نگاهی به پیش نویس قانون پیشنهادی جدید نیز معطوف گردیده است. بررسی های این مقاله نشانگر آنست که با توجه به ماهیت جرایم پسماندی، کنترل آنها نیازمند پاسخ هایی منعطف، مرحله ای و برخوردار

^۱ Rational choice

^۲ از این نویسنده مقالاتی در خصوص رویکردهای جرم‌شناسانه به جرایم و تخلفات شهری به چاپ رسیده که در این مقاله مورد استناد قرار گرفته است.

از ماهیت های اداری ومدنی و مبتنی بر حداقل استفاده از اجبار و زور و پرهیز از هزینه های اجتماعی می باشد، که در نظریه تنظیم گری پاسخگو متبلور است.

۱- چارچوب نظری

نظریه انتخاب عقلانی را می توان از نتایج حاکم نمودن عقلانیت ابزاری^۱ در حقوق و اجرای مقررات دانست که در عمل شهروند را موجودی حسابگر و نفع طلب پرورش داده و گفتمان اجبار و قدرت را بر روابط با شهروندان حاکم می کند. این نظریه در میان انواع روش وادار نمودن به تبعیت، روش اجبار آشکار کیفری را بر می گزیند. در مقابل، نظریه تنظیم گری پاسخگو، به عنوان نظریه ای شاخص بر پایه خردورزی تأثیر عمیقی بر اجتماعی سازی حقوق داشته است. مقصود از اجتماعی شدن حقوق گرایشی است که میان حقوق و جامعه نوعی رابطه معنادار برقرار می کند. (خاقانی اصفهانی، مهدی. ۱۴۰۳، ص ۹۸) نظریه تنظیم گری پاسخگو ایده ای بر پایه عدالت رویه ای و ساختار سلسله مراتبی است (شاه بیگی ایمان وهمکار، ۱۳۹۹، ص ۵۲۳) که دیدگاه های خود را از طریق طراحی هرم های تنظیم گری^۲ و گفتگوپیش از وضع و اجرای قاعده، متناسب با ویژگی ها زمینه ای و منطق اختصاصی وی پیاده سازی می کند. از این روی در طراحی هرم تنظیم گری پاسخگو، برای افراد با صنف متفاوت، از منطق های متنوع و متناسب استفاده می گردد. (Braithwaite John, 2018:75) عمده ترین نتیجه ای که از اجرای این ایده حاصل می آید را مشارکت میان تنظیم کنندگان^۳ و تنظیم شوندگان^۴ در وضع مقررات و پاسخگو نمودن تنظیم کنندگان دانسته اند. (Braithwaite John, 2021:205) در این اندیشه، شهروند با شبحی^۵ از مجازات در پس زمینه تهدید می شود، اما به ندرت درپیش زمینه این تهدید نمود پیدا می کند. (Braithwaite John, 2018:28) الزام موجود در هرم های تنظیم گری بسیار موثرتر از اجبار

¹ Instrumentalism wisdom

² Responsive regulation primed

³ Regulator

⁴ Regulatees

⁵ Ghost

کیفری است اما بصورت نهفته به گونه ای که شهروندان خود را در مواجهه با آن نمی‌بینند و ضمانت اجراهای مدنی، انضباطی و صنفی در اولویت اجرا پیش از به‌کارگیری مجازات کیفری قرار دارد (Kolieb, Jonathan, 2015: 139). گفته شده در صورتیکه عدالت ترمیمی به عنوان پایه تنظیم گری پاسخگو قرار گیرد عملکرد بهتری به رویکرد تنظیم گری خواهد داد. (Braithwaite John, 2021: 206) عدالت ترمیمی^۱ شیوه‌ای از پاسخ دهی به رفتار ناقض مقررات از طریق برقراری توازن بین نیازهای جامعه، قربانیان و بزهکاران می‌باشد و هرگونه نقض مقررات قبل از آنکه نقض یک هنجار قانونی باشد، خدشه‌ای بر روابط بین فرد با جامعه و بزه کار و بزه دیده تلقی شده که می‌بایست ترمیم گردد. (سازمان ملل، ۱۳۹۰، ص ۶) راهکارهای اجتماع پایه^۲ این رویکرد بر ترمیم روابط و مسئولیت پذیری تمامی افراد متأثر از وقوع استوار است. این نظریه بر مسئولیت پذیری^۳ و شرمساری بازپذیرنده^۴، استفاده از اجبار و زور به عنوان آخرین راه حل، شناسایی و رفع عوامل ریشه‌ای وزیر بنایی، استفاده از جامعه محلی، انعطاف پذیری و تنوع در پاسخ‌ها و داوطلبانه بودن اصرار دارد. (سازمان ملل، ۱۳۹۰، ص ۶)

۲- نتایج رویکرد جبرمحور به کنترل جرایم پسماندی

بررسی اولیه ضرورت‌های کنترل بایسته جرایم پسماندی و مقایسه آن با الزامات رویکرد جبر محور، گویای عدم تناسب میان ویژگی‌های این دو می‌باشد؛ جرایم پسماندی برخوردار از برساخت اجتماعی^۵ بوده لذا فرایند کنترل آن نیز می‌بایست بر مولفه‌های اجتماعی طراحی گردد. در این گونه جرایم، رفع وجبران داوطلبانه خسارت وارده و حفظ رابطه مشارکتی با شهروند از اهمیت بیشتری در مقایسه با مجازات شدن شهروندان برخوردار است. جدول زیر به مقایسه عمده ترین ویژگی‌های این دو مفهوم می‌پردازد:

¹ Restorative justice

² Community-based

³ Accountability

⁴ Rational choice

⁵ Social construction

جدول مقایسه ای تناسب ضرورت های کنترل بایسته جرائم پسماندی و ویژگی های رویکرد اجبار محور

سازمی و گاهش هزینت	پرهیز از افتشاش	پرهیز از مجرم سازی و خشونت	افزایش همبستگی اجتماعی	عدم تمرکز بر فقر	حل مسئله و مشارکت	مسئولیت پذیری شهروندان	مسئولیت پذیری مقامات عمومی	ضرورت های کنترل بایسته جرائم پسماندی
مقید به طی تشریفات پرهیزت	شهروندان را تحرک به افتشاش می کند	مجرم سازی و اجبار مبتنی بر زور	عاشق اجتماعی را به دنیال دارد	جامعت فقیر ستیزانه شدن فرایندها می گردد	نه تنها مساله را رفع نمی کند بلکه مانع مشارکت شهروندان است	در مسئولیت کیفری و مجازات خلاصه می گردد	تنها بر ترک فعل مدیران مقرراتی دارد	رویکرد اجبار محور

بی توجهی به این عدم تطابق و اصرار بر توسعه بستر قضایی، موجب بروز نتایج نامطلوبی در این فرایند گردیده است که غیراثربخش بودن راب فرایند کنترل تحمیل نموده است. در این قسمت به عمده ترین این نتایج پرداخته می شود:

الف: غلبه گفتمان قدرت و سزادهی

از عناصر منطق نفع محور، تسلط عناصر قدرت در مراحل کنترل، اعم از پیش تقنین، تقنینی و اجرایی برای ایجاد حداکثر بازدارنده گی و باورمندی شهروند به وجود نفع در تبعیت از مقررات است. در مرحله پیش تقنینی کنترل جرایم پسماندی، طراحان سیاست ها بدون توجه به نقش فرهنگ و باورنهادهای محلی، با شیوع احساسات کاذب در مورد وجود مافیا در زباله و ضرورت تمرکز اقدامات در بخش دولتی و بیان آن به عنوان خواست عموم جامعه، نوعی عوام گرایی اقتدارگرا^۱ را ترویج دادند که تصویب قانون مدیریت پسماند را رقم زدند که تنوع ظرفیت های محلی و رویه های عرفی را به رسمیت نمی شناسد. در تهیه دستورالعمل های اجرایی در مورد سطح و شیوه آن آداب، رسوم، باورهای قومیت ها و فرهنگ ذی نفعان مدنظر قرار نگرفته و از سمن ها، نهادهای خیریه و نهادهای نیکوکاری، هم که شائبه ای در احتمال وقوع مافیا در فعالیت های ایشان وجود ندارد، مشاوره اخذ نمی گردد به عنوان نمونه، بر پایه قانون، تولیدکننده زباله، موظف به پرداخت هزینه امحاء

¹ Populist punitiveness

زباله‌های تولیدی خود می‌باشد^۱، اما به دلیل غیبت صنوف و ذی نفعان در فرایند پیش‌تقنین و فرمول نویسی، هیچ صنفی این هزینه‌ها را بدون تنش پرداخت نکرده و به پهنه‌ای برای کشمکش بین اتحادیه‌ها، صنوف و مدیریت شهری تبدیل شده است. (سروری جعفر، ۱۴۰۲، ص ۸) این روش این باور را تقویت می‌کند که تنها فلسفه وضع قانون سزاگرایی بوده است لذا مواد ۱۶ و ۲۰ این قانون، که در بردارنده تعیین مجازات است، بخش شاخص در این قانون است^۲ و حتی تنها مقررره موجود در این قانون در ارتباط با آموزش شهروندی^۳ و ماده ۴ این قانون^۴ هیچگاه اجرایی نگردیده است.

۱. قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳ شمسی مجلس شورای اسلامی

۲. پیش‌نویس قانون جدید اگر چه کوشیده است با اضافه نمودن قید " اشخاص حقیقی و حقوقی که در... عملاً آن را از انحصار برخورد با شهروندان عادی خارج نماید و همچنین ارتکاب رفتار را برای اولین و دومین بار به عنوان تخلف عنوان نماید و ارتکاب سومین بار را به عنوان جرم حمل نماید، اما توجه به ارقام پیشنهادی برای مجازات در مرتبه اول و دوم و تشریح جرائم جدید و خاص در مواد ۱۷ و ۱۸ رویکرد سزاگرا را تقویت نموده است اما با توجه به تبصره ۵ ماده ۱۶ عملاً این هدف حاصل نمی‌گردد.

۳. ماده ۲۱ - درآمد حاصل از جرائم این قانون به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و همه ساله معادل وجوه واریزی از محل اعتبارات ردیف خاصی که در قوانین بودجه‌سنواتی پیش‌بینی می‌شود، در اختیار دستگاه‌هایی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهند شد، قرار خواهد گرفت تا صرف آموزش، فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و رفع آلودگی ناشی از پسماندها، حفاظت از محیط زیست و تأمین امکانات لازم در جهت اجرای این قانون گردد. در ماده ۲۰ پیش‌نویس قانون جدید این مسئولیت بر عهده صندوق ملی محیط زیست گذارده شده تا نقص فقدان متولی را رفع کند.

۴. ماده ۴ - دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موظفند جهت بازیافت و دفع پسماندها تدابیر لازم را به ترتیبی که در آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون مشخص خواهد شد، اتخاذ نمایند. آیین‌نامه اجرایی مذکور می‌بایستی دربرگیرنده موارد زیر نیز باشد:

۱ - مقررات تنظیم شده موجب گردد تا تولید و مصرف، پسماند کمتری ایجاد نماید. ۲ - تسهیلات لازم برای تولید و مصرف کالاهایی که بازیافت آنها سهل‌تر است، فراهم شود و تولید و واردات محصولات که دفع و بازیافت پسماند آنها مشکل‌تر است، محدود شود. ۳ - تدابیری اتخاذ شود که استفاده از مواد اولیه بازیافتی در تولید گسترش یابد. ۴ - مسئولیت تأمین و پرداخت بخشی از هزینه‌های بازیافت بر عهده تولیدکنندگان محصولات قرار گیرد.

در بعد تقنینی، بررسی‌ها گویای آنست که این قانون با وضع شدیدترین مجازاتی که تاکنون برای جرایم وتخلفات شهری^۱ وضع گردیده از خود چهره‌ای قییم‌آبانه و با محدود نمودن پاسخ‌ها، چهره‌ای غیرمنعطف را به نمایش گذارده است، به عنوان نمونه به دلیل عدم واقعی سازی قیمت خرید زباله‌های بازیافتی، تعداد مراکز غیرمجاز تفکیک، که زباله‌ها را با قیمت بالاتری خریداری می‌نماید، به‌ویژه در حاشیه‌های شهر رو به افزایش نهاده است اما مدیریت شهری بجای پذیرش این نقص، با عدم رسمیت شناختن مراکز غیرمجاز نسبت به پلمپ آن‌ها اقدام می‌نماید و مشتریان این مراکز را، که در بسیاری از موارد افراد تهیدست هستند، روانه بازارهای زیر زمینی می‌نماید. عمده‌ترین وجه مناسبات قدرت، منطق یکسویه موجود در این قانون است که تنها متمرکز بر وظایف شهروندان است و هیچگونه اشاره‌ای بر پاسخ‌گویی مقامات در بر ندارد^۲. ارزش بودن قدرت، افزایش قدرت چانه‌زنی فرادستان مقتدر جامعه و کاهش اعتقاد سایر شهروندان به مشروعیت و مشارکت در کنترل را به دنبال خود داشته است. تدوین گنگ و مبهم قانون و تفاسیر موسع مسیراقتدارگرایی را هموار کرده است (سروری جعفر، ۱۴۰۳، ص ۱۷) در این قانون حتی تعریف دقیقی از جرایم پسماندی و عناصر مادی آن ارائه نگردیده که باعث برداشت‌ها و اجراهای سلیقه‌ای مأموران مبتنی بر دیدگاه‌های قدرتمدارانه گردیده است.^۳ به عنوان نمونه، عبارات جمع‌آوری و حمل بکار رفته در این قانون^۴، از سوی مجریان تفسیر موسع گردیده و برهنگونه حمل ضایعات حاصل از تخریب بنای شخصی موجود توسط یک ماشین شخصی نیز

^۱ مجازات‌های مقرر در ماده ۱۶ و ۲۰ این قانون، این جرائم را در دسته ۵ از مجازات‌ها قرار داده است که به نوبه خود در مقایسه با سایر جرائم وتخلفات شهری بدون مشابه است.

^۲ در ماده ۴ پیش‌نویس قانون جدید بر مسئولیت تولیدکننده را اشاره نموده و علیرغم مثبت بودن این امر بر رویکرد یک‌طرفه قانون می‌افزاید و در ماده ۲۶ بر ضمانت اجرای انجام تکالیف مسئولان را ترک فعل ایشان اشاره کرده است در حالی که پاسخگویی موضوعی اعم از انجام وظایف است.

^۳ ماده ۲ پیش‌نویس قانون جدید کوشیده تا تعریف کامل‌تری مقایسه با قانون قبلی از پسماند و انواع آن ارائه نماید اما این قانون نیز تعریفی از جرائم پسماندی ارائه نکرده و به ذکر مصادیق اکتفا نموده است.

^۴ ماده ۱۶ قانون مدیریت پسماند

اطلاق گردیده است. فرض قانونی وجود مسئولیت نوعی^۱ مرتکب جرایم پسماندی و عدم بررسی عنصر معنوی و زمینه های وقوع این موضوع را تشدید نموده است. فرایند اجرایی کنترل سطح خیابانی جرایم پسماندی با بروز ابزار و روش های نوین موقعیت مدار^۲ شکل نوینی از قدرت را به نمایش گذارده است. اساس کنترل جرایم پسماندی بر گشت زنی مأموران^۳ در قالب تیم ها استوار است که بر اساس ماده ۳۶ این قانون به عنوان ضابط قضایی خاص معرفی گردیده اند^۴. مأموران این اکیپ ها به دلیل سوگیری ناشی از نقش^۵ و شکل گیری محیطی مردانه و طراحی فرایندها بر زور بازو که در آن حرفی برای گفتن دارند، گفتمان قدرت را شیوع میدهند. فرایند مداخله اصولاً مناسب با بکارگیری نیروی انسانی مرد طراحی گردیده و حتی هیچ یک از رده های نظارتی و مدیریتی زنانه تعریف نشده اند لذا حضور رویکرد های زمینه محور^۶ مادرانه جای خود را به رویکردهای انتزاعی^۷ مردانه داده است. غلبه گفتمان قدرت باعث گردیده انتخاب افراد بر اساس عوامل فیزیکی و قدرت بدنی بوده و ترکیب سنی این افراد به سمت افراد جوان و عموماً فاقد تحصیلات باشد که این شغل را انتخاب نکرده و به دلیل باز ماندن از شغل های دیگر به این شغل گمارده شده اند لذا از شغل خود رضایت نداشته و به طور مداوم از احساس اینکه شهروندان نسبت به شغل و نحوه رفتار ایشان رویکرد مناسبی ندارند گلایه مند هستند (سروی جعفر، ۱۴۰۲، ص ۱۲). عدم تسلط مأموران بر مهارت هایی همانند هوش

¹ Absolute liability

² Situational

³ In front line

^۴ ماده ۱۹ پیش نویس قانون جدید ضمن تأیید این حکم، واژه ناظران محیط زیست را نیز وارد ادبیات کنترلی جرائم پسماندی نموده است. علاوه بر این در ماده ۲۲ صرفاً امکان گزارش دهی شهروندان و سازمان های مردم نهاد را پذیرفته است. با این وجود با پیشنهاد اعطاء پاداش برای گزارشات موثق، تعهد اجتماعی را به نفع تعهد به نفع کاهش میدهد.

⁵ Role Bias

⁶ Contextualized

⁷ abstract

هیجانی^۱ و تنش زدایی^۲ تنها راه باقی مانده برای ایشان را اعمال نسخه قدرت نمایی مانند توهین آمیز کردن زبان^۳ قرار می‌دهد.

ب: غلبه گفتمان نفع و تعارض منافع

اگرچه اطلاق عنوان طلای کثیف به پسماند تولیدی شهروندان در ابتدا به عنوان محرکی برای ترغیب ایشان به تفکیک زباله و ممانعت از وقوع جرایم پسماندی استفاده شده است اما هم اکنون کارکرد معکوس یافته و باعث گردیده تا سراسر فرایند کنترل بر بر مبنای هزینه - فایده طراحی گردد حتی اگر در غالب موارد این مقررات به نفع شهروندان فرادست شهر و با رویکردی فقیرستیزانه تصویب گردند. هم اکنون در کلان شهرهای ایران جمع‌آوری پسماند به مزایده گذارده می‌شود.^۴ این امر باعث گردیده که این پیمانکاران برگزیده، پسماندها را به عنوان مایملک خود دانسته^۵ و به منظور حفاظت از مایملک خود از تعدی زباله گردها، مستند به مفاد قرارداد، زباله‌های خشک جمع‌آوری شده توسط ایشان را به نفع خود ضبط و در مواردی عملاً فرایند غیر رسمی جمع‌آوری توسط افراد غیرمجاز را تشویق نمایند که مغایر با هدف تصویب قانون است. اگرچه می‌توان باور داشت حضور بخش

^۱ Emotional literacy

منظور از سواد عاطفی، داشتن خودآگاهی و شناخت احساسات خود و آگاهی از نحوه مدیریت آنها است، مانند توانایی آرام ماندن در هنگام احساس عصبانیت یا اطمینان دادن به خود در هنگام شک. این شامل همدلی، یعنی داشتن حساسیت به احساسات دیگران است.

^۲ de-escalation

^۳ Stigmatizing Language

^۴ تبصره ۲ ماده ۸ پیش نویس جدید قالب جدیدی با همان محتوا ارائه نموده است: "مدیریت‌های اجرایی میتوانند تمام یا بخشی از وظایف خود را به اشخاص حقیقی و حقوقی با اولویت شرکت‌های دانش بنیان و بخش خصوصی دارای صالحیت طبق ماده (۱۰) این قانون واگذار نمایند.

^۵ در خصوص این که وضعیت حقوقی پسماند تولیدی شهروندان چیست؟ و آیا شهرداری‌ها این اختیار را دارند که بتوانند آن را به مزایده بگذارند مباحث گوناگونی وجود دارد برای بررسی بیشتر به نعمت‌اللهی، اسماعیل. (۱۴۰۳). بررسی فقهی و حقوقی مالکیت پسماندهای جامد شهری. فقه و اصول (Fiqh va uṣūl) مراجعه گردد. doi: 10.22067/jfijqh.2023.81496.1557

خصوصی در حوزه شناسایی و مداخله در جرایم پسماندی و کمک به نهادهای کیفی رسمی، موجب کاهش رقم سیاه جرایم و افزایش هزینه جرم می‌گردد اما آنچه در کنترل جرایم پسماندی روی داده برون سپاری^۱ است تا خصوصی سازی. برون سپاری^۲ اصولاً زمانی رخ می‌دهد که انجام فعالیت برای دستگاه صرفه اقتصادی ندارد و عامل بررسی در واگذاری فرایند به بیرون صرفاً عامل منفعت مالی است به همین خاطر قراردادهای منعقد شده با این افراد تنها در بردارنده مقررات و قواعدی درباره ارزیابی مالی و تأمین منفعت و صرفه و صلاح مداخله‌گران از طریق سازوکارهای قراردادی عرفی است تا رعایت عدالت. چگونگی تعادل بخشی و توازن میان دغدغه‌های مدیریتی و ملاحظات تحقق عدالت است که مفید بودن آن را تعیین می‌کند. هم اکنون مدیریت شهری نتوانسته تعادلی میان هدف برقراری نظم و سازوکارهای قراردادی مبتنی بر اصالت نفع برقرار کند و غلبه بر استفاده از خدمات بخش خصوصی به دلیل ارزان‌تر شدن ارائه خدمات است. قراردادهای شهرداری‌ها با این پیمانکاران، به دلیل غلبه روح صرفه اقتصادی، برخوردار از مقررات و شروطی است که چگونگی عملکرد مالی پیمانکار در اجرای موضوع قرارداد را تدوین می‌کند اما حتی یک مقرر در خصوص نحوه تعامل این پیمانکاران به صورتی که امکان بروز مجدد جرم و تخلف فراهم نیاید، در این قراردادها وجود ندارد. هزینه‌های هنگفتی که صرف تأمین ابزارآلات و نیروهای کنترلی می‌گردد شهروندان متقاعد نموده که قواعد و فرایندهای مداخله، ابزاری برای کسب درآمد کنترل‌کنندگان است^۳. در نگرش شهروندان وضع این قانون نوعی تعارض منافع ایجاد نموده که امکان هرگونه تغییر به نفع نظم را از بین برده است. برجسته سازی وجود نفع اقتصادی در کنترل پسماند و مقررات گذاری با شائبه تأمین منابع و انتفاع مدیریت شهری، نگرش شهروندان را اینگونه شکل داده که قصد طراحان قانون مدیریت

^۱ outsourcing

^۲ تبصره ۲ ماده ۸ پیش نویس قانون جدید نیز با استفاده از واژه برون سپاری عملاً بر این امر صحنه گذارده است؛ بدون توجه به هرگونه نظام مند نمودن یا اجتماع پایه طراحی نمودن آن.
^۳ اگرچه در قانون قبلی صراحتی در خصوص اخذ هزینه از شهروندان بابت امحاء پسماند ایشان نیامده بود اما در ماده ۹ پیش نویس قانون جدید با صراحت اخذ هزینه برای امحاء پسماندهای عادی اشاره شده است.

پسماند و فرایندهای اجرایی آن بیشتر انتفاع است تا انتظام. کنترل کنندگان برای تداوم نفع حاصل از کنترل، بر تداوم ارتکاب این رفتارها حساب نموده اند. علاوه بر این اگرچه به دلیل فقدان آمار موثق در مورد آمار مداخله ها نمی‌توان از بُعد علمی در خصوص تبعیض آمیز بودن آن ارائه کرد اما به‌طور کلی نتایج حاصل از فرایندهای موجود غیر قابل دفاع ارزیابی می‌گردد. مشاهدات گویای آنست که بیشترین مداخله ها در مناطق نایر خوردار شهری بوده که دسترسی به منابع شهری توسط شهروندان آن به دلیلی تقسیم ناعادلانه منابع شهری سخت است. از طرف دیگر میزان مداخله های روی داده با منابع آلاینده پروژه های شهری و اداری در مقایسه با مداخله های روی داده به شهروندان قابل مقایسه نیست.

ج: برخورداری پایین فرایندهای کنترلی از اقناع

به‌طور کلی قانون‌گذار ایرانی در خصوص آنچه شهروندان پیرامون عملکرد وی می‌اندیشند کم توجه است و در زمانی که اجرای قانون با عدم اقبال شهروندان روبرو می‌گردد با صرف هزینه سعی در وادار نمودن شهروندان به تبعیت می‌نماید. اقناع‌سازی^۱ شهروندان در فرایندهای کنترل جرایم پسماندی بسیار کم‌رنگ است و مداخله گران از متقاعد سازی مفهومی مترادف با آشناسازی^۲ شهروندان به وظایفشان در ذهن دارند. عمده برنامه‌هایی که تحت عنوان متقاعد سازی تهیه می‌گردند به دلیل تمرکز بر فرمول های نفع‌گرایانه، شهروندان را به سمت خودخواهی^۳ و فردگرایی ترغیب می‌کند که مسیری برخلاف تعهد به اجتماع است. سراسر قانون مدیریت پسماند به خطابه ای شامل آمال و آرزوهای بزرگ واضعین شباهت دارد تا قانونی که توانایی حل مسئله پسماند را داشته باشد. رکن واقعی

¹ persuasion

² Familiarization

³ Rational egoism

متقاعدسازی، پاسخ‌گویی مداخله‌گران در مورد سطح، گونه و حجم مداخله‌ای که برای کنترل اعمال می‌کنند و شفافیت^۱ فرایند می‌باشد. قسمتی از بدبینی شهروندان به فرایند کنترل جرایم پسماندی، متأثر از پاسخگو نبودن مقامات عمومی پیرامون قصور و تقصیرهای ایشان در به وجود آوردن زمینه‌های بروز جرم توسط شهروندان است.^۲ طراحان بی توجه به نگرش‌ها و باورهای شهروندان و ارزش‌هایی که مورد قبول ایشان است فرایند را به گونه‌ای طراحی نموده‌اند که در درونی سازی^۳ ارزش تبعیت از مقررات پسماندی، به دلیل فقدان شناخت دقیق از حساسیت‌ها و باورهای شهروندان ناتوان است. در کشوری همانند ایران که به دلیل مهاجرت از تنوع بالای قومیتی برخوردار است، به گونه‌ای که تا ۶۰ درصد از سکنه برخی محلات را اتباع تشکیل داده‌اند،^۴ مقررات کنترلی می‌بایست نوعی ارزش مشترک را ترویج کند که در سایه پیاده سازی اشمال اجتماعی^۵ امکان پذیر است. مقررات کنترلی جرایم پسماندی انشقاق اجتماعی^۶ را ترویج می‌نماید، به عنوان نمونه در بعضی از شهرها برخی از اتباع تحت تأثیر سبک زندگی قبلی فردی، حیوانات را در کنار خیابان ذبح می‌نمایند و پسماند را در کنار خیابان رها می‌کنند و دلایل مذهبی و فرهنگی را دال بر این رفتار خود می‌دانند و مدیریت شهری با مداخله کیفی زمینه‌های زیرزمینی شدن رفتار

^۱ پیش نویس قانون جدید در تبصره ۲ ماده ۲۳ خود به موضوع شفافیت پرداخته است اما تنها منحصر به اطلاعات تولید پسماند وزارت خانه‌ها نموده است.

^۲ ماده ۲۶ پیش نویس قانون جدید موضوع ترک فعل مدیران را برای پاسخگویی مطرح نموده است و مجدداً بر عنصر اجبار کیفی تأکید نموده است.

^۳ Internalization

^۴ به نقل از تارنمای اینترنتی به آدرس <https://www.alef.ir/news/4031110137.html> تاریخ دسترسی

۱۴۰۴/۰۱/۲۰

^۵ Social inclusion

^۶ Social exclusion

مجرمانه وجداشدن این افراد از جامعه را فراهم آورده است. به روز نبودن مقررات نیازهای بروز شده شهروندان را پوشش نمی‌دهد و به دلیل برآورده نشدن نیازهای فعلی شهروندان هیچگاه با ارزش‌های ایشان مطابقت نداشته و تبعیت شهروندان را ترویج نمی‌نماید. شهروندان می‌بایست باور نمایند آنچه ترویج می‌گردد همان چیزی است که ایشان باور دارند.

مأموران اجرایی کنترل جرایم پسماندی نیز در مورد فرایند و سیاست‌های حاکم بر آن اقلان نیستند لذا در هنگام اعمال مقررات با استفاده از اختیار^۱ وسیعی که دارند شهروندان را عاصی مینمایند. عملکرد بهینه در ایشان متضمن پذیرش و توسعه رویکرد انطباق‌پذیری سیاست^۲ در ایشان می‌باشد. افرادی که در صف مقدم اجرا قرار دارند، با چالش‌های عینی سروکار داشته لذا میباید نقش وسیع‌تری در تنظیم خط‌مشی‌ها و روش‌های اجرا را خود طراحی نمایند. در صورتیکه مأموران در طراحی راهبردهای اجرای مقررات دخالت داده شده و دغدغه‌های اجرایی ایشان در هنگام مقررات‌گذاری مورد نظر قرار گیرد در واقع اختیاری که ممکن بود در آینده و بدون نظارت اعمال گردد، قبل از وقوع و به عنوان یک مقرر رسمی و در تحت نظارت اعمال خواهد شد.

۳- رویکرد تنظیم‌گری پاسخگو به کنترل جرایم پسماندی

از آنچه گفته شد می‌توان این نتیجه را گرفت که حاکمیت رویکرد نفع‌محور در کنترل جرایم پسماندی نتایجی را به بار می‌آورد که با هدف بایسته کنترل در تعارض است لذا حرکت به

¹ Discretion

² policy adaptation

سمت رویکردهای جایگزین که توانایی ارائه نسخه‌های اجرایشدهی و برخوردار از حداقل هزینه‌های اجتماعی و مالی در مقیاس شهری را داشته و مورد تجربه قرار گرفته باشد احساس می‌گردد. رویکرد تنظیم‌گری پاسخگو در عمل نشان داده که مطابقت بالایی در پوشش الزامات فنی و همچنین پرهیز از ایجاد تنش بی‌مورد با شهروندان دارد و مقایسه مشخصات این رویکرد با ویژگی‌های جرایم پسماندی، نشانگر کارا بودن در کنترل جرایم پسماندی است. جدول زیر به این مقایسه پرداخته است:

دسترس	تأثیر بر نظم عمومی	پرهیز از اعتدال	پرهیز از مجرم سازی	همبستگی اجتماعی	عدم تمرکز بر فقرا	تقویت مشارکت	مسئولیت پذیری شهروندان	مسئولیت مقامات عمومی	ضرورت‌های کنترل جرایم پسماندی
تقویت عدالت محلی	نظمی زمینه محور و دوام حاکم می‌گردد. روی می‌دهد	به دلیل اقتناع شهروندان شفافیت فرایند روی می‌دهد	در این فرایند تنظیم شونده هستند	همبستگی اجتماعی موثر است	بجای زمینه های وقوع و تنوع پاسخ ها	با توسعه حل مساله مشارکت با دوام را تقویت می‌کند	شرماری با پذیرنده را تقویت می‌کند	رعایت انصاف و احترام در برخورد الزام می‌کند	رویکرد تنظیم‌گری پاسخگو

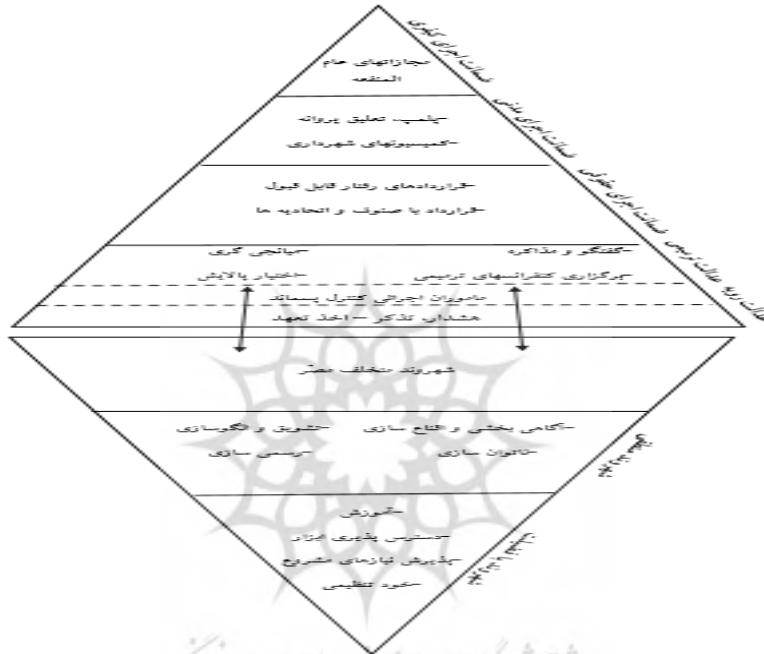
جدول مقایسه ای مناسب ویژگیهای جرائم پسماندی و رویکرد تنظیم‌گری پاسخگو (محقق ساخته)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

الف: ارائه الگوی پیشنهادی

به نظر می‌رسد الگوی مناسب کنترل اثر بخش می‌تواند در قالب هرم‌های تنظیم‌گری پاسخگو بهترین نتیجه را حاصل کند. همانطوری که قبلاً گفته شد، به طور کلی جرایم پسماندی به عنوان یک برساخت اجتماعی و فرهنگی تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی مرتکبین خود قرار دارد با این فرض شاید ارائه الگویی واحد برای کنترل این رفتارها موضوعی سخت باشد، اما با توجه به ویژگی‌های کلی جرایم پسماندی می‌توان به ارائه یک الگوی دربردارنده حداقل‌ها اندیشید. این الگو می‌تواند با شرایط محیطی

و شرایط افرادی که موضوع کنترل یک جرم پسماندی می‌باشند، همانند پزشکان یا صنوف مختلف، کامل گردد. نکته قابل توضیح آنست الگوی پیشنهادی از ادغام دو هرم تنظیم‌گری، هرم تنوع مجرمین^۱ (هرم زیرین) و هرم مداخله (هرم زیرین) در یکدیگر و همخوان نمودن آن با جرایم پسماندی ارائه گردیده است.



هرم پیشنهادی کنترل جرایم پسماندی بر اساس رویکرد تنظیم‌گری پاسخگو (محقق ساخته)

ب: تشریح الگوی پیشنهادی

^۱ در طراحی این هرم از منبع زیر استفاده شده است:

Responsive regulation model: Left: the Ayres and Braithwaite pyramid (<http://johnbraithwaite.com/responsive-regulation>). Right: The diamond model (modified Figure 4 from Kolieb 2015

Monash UL Rev. 41(1): 136-162

براساس هرم زیرین، اعمال مقررات^۱ کنترلی در همه شهروندان به یک روش صورت نمی‌گیرد. در بسیاری از موارد، به دلیل برخورداری از شان اجتماعی و عدم تعمد در ارتکاب جرایم پسماندی اصولاً نیازمند هیچگونه مداخله و کنترل نبوده و تنها تذکر به ایشان برای عدم تکرار کفایت می‌کند. با تذکر قانونی^۲، اخطار^۳، به‌عنوان سبک‌ترین نهاد در جرایم خرد و سبک، به متهم یا متخلف پیش از احضار و یا آغاز تعقیب، نتیجه اعمال زین‌بار وی تذکر داده شده و خواسته می‌شود این فعل را ترک کند. هشدار^۴ می‌تواند شامل هشدار شفاهی^۵، هشدار غیررسمی^۶ جلسات و نامه‌های هشدار،^۷ هشدارهای مداخله زودرس^۸ شفاهی و کتبی باشد که به متخلف داده می‌شود. از جانب دیگر، دلیل عمده این دسته از شهروندان، عدم آموزش و اطلاع از سیاست‌ها و یا سخت بودن دسترسی به ابزار است؛ لذا با ارائه آموزش‌های لازم و در دسترس قرار گرفتن ابزار پیشگیری دیگر جرم پسماندی خود را تکرار نخواهند کرد.

توسعه زیرساخت‌های تسهیل‌کننده ارتباط رایانه‌ای با مراجع کنترل پسماند، همانند نرم افزارهای هوشمند جمع‌آوری زباله و یا توسعه ابزارآلات مناسب انباشت زباله تفکیک شده مانند تعبیه محل نگهداری در اپارتمان‌ها^۹ بسیار موثر است. در یک نمونه عینی طراحی و توسعه جعبه‌های^{۱۰} انباشت ضایعات خاک و نخاله حاصل از تخریب منازل مسکونی و

¹ Law enforcement

² Le rappel a la loi

³ Caution

⁴ Warning

⁵ Verbal warning

⁶ Informal warning

⁷ Warning letter and metting

⁸ Early intervention warning

⁹ تبصره ۳ ماده ۱۵ پیش‌نویس قانون جدید به الزام به طراحی و تعبیه مکان‌های مناسب انباشت زباله تفکیکی در مسکن‌های در حال احداث اشاره کرده است اما این رویه متضمن گران تمام شدن ساخت بنا گردیده و در بسیاری از موارد یا به روشی دور زده شده و یا به ضرر خانوارهای با درآمد پایین می‌گردد.

¹⁰ Boxes

تسهیل در سفارش این ابزار از طریق سفارش الکترونیکی تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کاهش جرایم پسماندی و ضرورت مداخله ایفاء نموده است. توسعه نرم افزارهای جمع آوری زباله تفکیکی نیز در این راستا کمک شایانی خواهد نمود اما بی‌توجهی به فرهنگ شهروندان هر منطقه در طراحی این نرم افزارها و به راه افتادن بازی سود و منفعت مجدداً از اقبال این نرم افزارها کاسته است. به نظر میرسد اولویت دادن به نهادهای واسط همانند مساجد و خیریه‌ها با تضمین هزینه‌کرد عوائد حاصل از پیشگیری از جرایم پسماندی از طریق توسعه تفکیک زباله از مبدا در میان مومنین مرتبط با مساجد در همان محله و بهبود وضع مال فقرا و تهیدستان آن، اقبال شهروندان را افزایش می‌دهد^۱.

در این میان پذیرش نیازهای مشروع شهروندان و جلوگیری از ارائه تفاسیر موسع که دایره رفتارهای ایشان را مضیق می‌نماید از اهمیت بسزایی در تبعیت ایشان از مقررات کنترلی جرایم پسماندی و پرهیز از عاصی نمودن ایشان برخوردار است، به عنوان نمونه اطلاق عنوان مجرمانه بر پسماند حاصل از فعالیت یک خیاط محلی و یا ضایعات حاصل از تخریب یک بنای شخصی گسترش بی دلیل دایره مداخله دولتی بر این رفتارها می‌باشد. در این میان وضعیت رفتارهای ارتكابی از سوی شهروندان تهیدست، همانند زباله‌گردی و یا نمکی دوره‌گرد، ضرورتاً با رویکردی حمایتی و توسعه مهارت‌های کاری و اتخاذ رویکرد رسمی‌سازی^۲ ایشان می‌بایست پاسخ داده شود به‌نظر می‌رسد مداخله کیفری بر این دسته از افسار، مستند به نوعی تفسیر موسع از کلمه "جمع آوری" است که اجازه فعالیت این افراد را محدود نموده و گرنه روح قانون مدیریت پسماند بر این موضوع دلالت ندارد. در این قسمت مداخله می‌بایست به سمت تأمین کنندگان و دریافت کنندگان عمده محصولات کاری ایشان، خریداران بزرگ ضایعات متوجه گردد.

^۱ تبصره ۵ از ماده ۱۶ پیش نویس قانون جدید با مبنا قراردادن قرارداد با سازمان، عملاً هرگونه راه را برای این امر بسته است.

^۲ formalization

عدالت رویه ای^۱ این ظرفیت را دارد تا نگرش شهروندان را به نیت مقامات عمومی از طراحی فرایندهای کنترلی را بهبود بخشیده و ضرورت اتخاذ رویکردهای قهری را کاهش دهد. وقوع جرایم پسماندی دارای بسامد بالا بوده و قابلیت روی دادن از جانب افراد مختلف را دارد و از آنجایی که کنترل این جرایم در ایران بر اساس مداخله مأموران اجرایی شهرداری ها، به عنوان مأموران مداخله سطح خیابان^۲، صورت می‌گیرد و نگرش شهروندان در خصوص تبعیت از مقررات کنترلی، در بسیاری از موارد به تجربیات شهروندان از نحوه رفتار این مأموران با ایشان بر می‌گردد لذا علیرغم اینکه در فضای حقوقی ایران آیین رسیدگی خاصی در مورد اجرای مقررات در هنگام بروز جرایم و تخلفات شهری وجود ندارد، ضروری است تا معیارهای عدالت رویه ای، شامل احترام، انصاف، بی طرفی و رعایت افراد ضعیف جامعه، در برخورد های مأموران تقویت گردد. این امر در بسیاری از موارد نیاز به مداخله برای کنترل را منتفی می‌گرداند. در این میان توسعه مهارت هایی همانند هوش هیجانی، حل مسئله و کنترل خشم واقناع مأموران در مورد نحوه مداخله بسیار موثر است. عملکرد تنظیم گران باید متمرکز در قاعده هرم یعنی، آموزش، اقناع سازی و دخالت دادن سایر عوامل موثر بر وقوع جرم در فرایند مداخله باشد. (Mary Ivec, 2015: 4)

عدالت ترمیمی، به دلیل برخورداری از عناصری همانند تشویق جامعه محلی و توان راه اندازی گفتگو میان مجرم و نهادهای مداخله گر و تاکید بر راهکارهای اجتماع پایه نشان داده است در صورتیکه در قاعده هرم های تنظیم گری پاسخگو قرار گیرد بالاترین نرخ بهره وری را حاصل خواهد نمود. ارائه مشوق های لازم جهت انگیزش و توانمند شدن جامعه محلی برای قرار گرفتن به عنوان نقطه حائل میان سطح تماس میان مداخله گران

¹ Procedural justice

² Street level bureaucrats

وشهروندان و برقراری پادرمیانی محلی هم در خصوص تبعیت از مقررات پسماندی وهم رعایت شرایط خاص مجرم، اعم از فرهنگی و مالی، و ترجمه زبان این دو برای یکدیگر ظرفیت بسیار بالایی را در رفع نیاز به مداخله ایفاء خواهد کرد. حضور جامعه محلی همچنین می‌تواند عدم توازن ناشی از نابرابری میان شهروند و نهاد عمومی را از بین برده و تبعیض نابجا را تبدیل به تفاوت با معیار نماید. از طرف دیگر می‌تواند از این عناصر برای میانجی‌گری های کیفری خود بهره برده و شهروندان را متقاعد نماید که تبعیت از مقررات در راستای منافع جامعه و محله در حال پیگیری است. البته استفاده از این ظرفیت دارای ظرایفی است که از استفاده ابزاری از این عناصر محلی از یکطرف و سوگیری ناشی از شغل توسط این شهروندان ممانعت نماید.

جدول مقایسه ای تناسب ویژگیهای جرایم پسماندی و رویکرد عدالت ترمیمی

کنترل بایسته جرایم پسماندی	تأثیر بی‌نظمی عمومی	پرهیز از اغتشاش	پرهیز از مجرم سازی	همبستگی اجتماعی	عدم تمرکز بر شخص	حل مسئله و مشارکت	مسئولیت پذیری شهروندان	مسئولیت پذیری مقامات عمومی	دسترس پذیری عدالت
رویکرد عدالت ترمیمی	برسمیت شناختن نظم محله ای و جلوگیری از نظم پادگانی	باتوصیه گذشت ازحقوق شهروندی، اغتشاش را کاهش می‌دهد	با بهره وری از فرایند های ترمیمیارجاع شهروندان به عدالت کیفری را منتفی می‌کند	با تکیه بر ترمیم روابط خدشه دار شده صرف نظر از فاعل و فاعل روی داده شده همبستگی را افزایش می‌دهد	تنوع و انعطاف در پاسخ‌ها و رعایت بستر وقوع	اصل بر حل مسئله و مجازات آخرین راه حل است مشارکت جامعه محلی و نهادهای واسط	_شرمساری بازپذیری _داوطلبانه بودن _خود تنظیمی	_حضور تمامیعوامل تأثیرگذار بر وقوع جرم _تنظیم گری پاسخگو	_تکیه بر عدالت محلی _عدالت غیر رسمی

تاکید عدالت ترمیمی بر مفهوم شرمساری بازپذیرنده و انتخاب راهکارهای اجتماع محور، برتری آن در مقایسه با رویکردهای اجبار محور را عیان نموده است. به نظر می‌رسد موثرتر از بازدارندگی از طریق ایجاد تصور سود و ضرر در شهروند، مواجهه وی با نتایج فعل و اثرات آن است که می‌تواند وی را باطناً متأثر و شرمسار گرداند و در نتیجه بازپذیرندگی آن شرمساری علاوه بر جبران خسارت وارده به تمامی عوامل متأثر، عمیقاً و با باور قلبی نسبت به عدم تکرار اقدام نماید. تأکید بر شفافیت به موازات این آموزش‌ها، باعث می‌شود شهروندان اطمینان حاصل نمایند که تمامی مراحل فرایند عدالت ترمیمی به‌طور کامل شفاف برای همه شهروندان قابل دسترس می‌باشند و افزایش اعتماد عمومی به سیستم را در پی داشته باشد. به‌ویژه لازم است تا نیروهای اجرایی، آموزش و آگاهی بخشی در زمینه عدالت ترمیمی ببینند تا فرهنگ سازمانی ایشان برای به‌کارگیری عدالت ترمیمی در جرایم پسماندی ارتقاء یابد. همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی برای مسئولان، ناظران، سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران به منظور آشنایی با تنظیم‌گری پاسخگو و نحوه اجرای آن نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند.

از روش‌های عمده مداخله مدنی و حقوقی ترویج «قراردادهای محلی»^۱، است که در این صورت دیگر نقض مقررات بیشتر یک نقض قراردادی است تا نقض قانون (Crawford adam, 2009: 167) لذا امکان رفع وجبران خسارت در آن بیشتر بوده و ضرورتی به استناد آن به مفاهیمی چون نظم عمومی نیست. ایجاد خودتنظیمی در شهروندان، کارکنان، صنایع، کسبه و شهروندان با شیوه عقد قراردادهای رفتار قابل قبول^۲ می‌تواند از بارزترین وجوه حکمرانی شهری قراردادی باشد. این قراردادها باید بر عنصر رضایت استوار بوده و امکان گفتگو را فراهم نماید در این صورت است که می‌تواند متابعتی بر پایه رضایت را فراهم آورد. از نمونه‌های تا اندازه‌ای موفق این روش، قراردادهای منعقد شده میان شهروندان و مدیریت شهری در مورد پرداخت عوارض جمع‌آوری پسماند مراکز پزشکی است که با توجه به سازوکار مدنی یاد شده در این قراردادها می‌توان امیدوار بود که جرایم پسماندی وقوع نیافته و یا مکانیسم‌های مدنی، نیاز به رویکردهای سلبی را منتفی نماید. به‌کارگیری

¹ Parochial contracts

² Acceptable contracts Behavior

مداخلات اداری نیز می‌تواند در مواردی مؤثر باشد. آشکارترین وجوه این سازوکار به‌کارگیری کمیسیون‌های اداری موجود در شهرداری‌هاست. در مواردی که متخلف، دارای پروانه کسب یا پروانه بهره‌برداری می‌باشد، لغو پروانه یادشده، در ابتدا برای دوره محدود و در صورت عدم پیروی گسترش آن به دوره طولانی‌تر توسط کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها و در مواردی که ملک مسکونی یا باکاربری مسکونی باشد، به‌کارگیری از روش قطع امتیازات آب و برق به دست اداره‌های ارائه‌کننده این خدمات، عدم ارائه خدمات شهرسازی به کدهای نوسازی شهرسازی^۱ و افزایش تصاعدی عوارض مصوب شورای اسلامی شهرها^۲ و دریافت آن از شیوه کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها، برای عدم رعایت می‌تواند مورد به‌کارگیری قرار گیرد.

در انتهای هرم، سرنوشت آن‌دسته از شهروندانی که علی‌رغم طی مراحل قبلی هنوز بر ارتکاب جرایم اصرار می‌ورزند مشخص می‌گردد. با توجه به نظراتی که پیرامون معایب استفاده از مجازات جریمه نقدی وجود دارد و با توجه به ماهیت این جرایم به‌نظر می‌رسد مناسب‌ترین مجازات مجازات‌های برخورد از ماهیت عام‌المنفعه است. بیش از ۸۹ درصد از جرایم زیست‌محیطی که حدفاصل ۲۰۰۷ لغایت ۲۰۱۵ صورت پذیرفته، مجازاتی شامل حمایت از انتشار مقالات و انجام تحقیقات مرتبط با حل معضلات زیست‌محیطی بوده است که می‌توان آنرا به آموزش کودکان و تهیه هزینه‌های آن و برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها هم تسری داد. متأسفانه روش اجرای ناقصی در قانون مدیریت پسماند ایران دیده می‌شود در این قانون مقررگردیده تا جرایم حاصله از جرایم پسماندی برای اطلاع رسانی و فرهنگ‌سازی استفاده گردد اما تا این زمان حتی یک مورد نیز اتفاق نیافتاده است^۳ شاید دلیل اصلی این عدم موفقیت تجمیع این منابع در خزانه دولت بوده که این مهم

^۱ در این روش کد نوسازی ملک دارای تخلف در سامانه جامع شهرسازی به اصطلاح قفل می‌گردد.
^۲ باید در استفاده از این سازوکار دقت گردد تا عوارض به مجازات که در اختیار مجلس شورای اسلامی است، تبدیل نگردد.

^۳ ماده ۲۱ - درآمد حاصل از جرائم این قانون به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و همه ساله معادل وجوه واریزی از محل اعتبارات ردیف خاصی که در قوانین بودجه‌سنواتی پیش‌بینی می‌شود، در اختیار دستگاه‌هایی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهند شد، قرار خواهد گرفت تا صرف آموزش،

انجام نشده است. تفاوت اصلی بین این دو روش کار در ... و ایران در نحوه اعطاء هزینه است. در مورد اول به دلیل پرداخت مستقیم اما زیر نظارت دولت، شخص حقوقی متخلف خود را در تعامل با فعل زیانبار می‌بیند از این رو مسئولانه آن را پیگیری می‌نماید اما در مدل ایران به دلیل فرایند غیر مستقیم این حس مسئولیت شکل نمی‌گیرد.^۱

واقعیت اینست که با توجه به گسترش صنعت و فناوری میزان خسارت وارده از ناحیه اشخاص حقوقی و کارخانه‌های تولید کننده محصولات نوین به مراتب بیشتر از رفتارهای ارتكابی اشخاص حقیقی است لذا قانون میبایست بر این امر متمرکز گردد. بررسی‌های اولیه گویای این نکته است که بهترین سیاست در مورد اشخاص حقوقی، استفاده از راهکارهای جبرانی همراه با فرایندها و رویه‌های عدالت ترمیمی می‌باشد. یعنی جبران ضرر و خسارت و اعاده به وضع سابق^۲ و پرداخت ضرر از سوی آلوده ساز. در موردی عینی، بالغ از ۵۵ درصد از مجرمین زیست محیطی، در فرایندی با عنوان اختصاری^۳ ESO، که نوعی دستور جبرانی^۴ دادگاه بوده و بر اساس آن پول از سوی شرکت متخلف یا مجرم به یکی از واحدهای تجاری که در حال انجام یک پروژه زیست محیطی است هدایت می‌شود، به مجازات رسیده اند^۵ (علی اکبری رستم و همکار، ۱۳۹۸، ص ۶۸). اگرچه قانون‌گذار

فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و رفع آلودگی ناشی از پسماندها، حفاظت از محیط زیست و تأمین امکانات لازم در جهت اجرای این قانون گردد.

^۱ در مواردی که کاهش یا از بین بردن آلودگی ناشی از مراکز صنعتی، تولیدی، معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی به تشخیص سازمان فقط از طریق انتقال تمام یا بخشی از خطوط تولید یا تأسیسات یا اماکن آنها به نقاط مناسب امکان پذیر می‌باشد و یا فعالیت مراکز مذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به خطر بیندازد، مالکان و مدیران واحد موظفند در مهلت تعیین شده در طرح انتقال، نسبت به انتقال واحد مربوطه اقدام کنند. مستنکف از مفاد این ماده به پرداخت جزای نقدی معادل سه درصد (۳٪) درآمد سالانه ناخالص همان واحد محکوم می‌شود.

^۲ بند ج از ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه اصل جبرای خسارت از طریق اعاده به وضع سابق را پذیرفته است.

^۳ Environmental service order

^۴ Reprative order

^۵ در حقوق ایران پرداخت خسارت تنها به فرد ضرر دیده تشریح شده است ماده ۱۹ قانون مدیریت پسماند آمده است: در تمام جرایم ارتكابی مذکور، مرجع قضایی مرتکبین را علاوه بر پرداخت جریمه به نفع صندوق

ایرانی مسئولیت کیفری شخص حقوقی را به رسمیت شناخته^۱ اما رویه‌ای خاص متناسب با ماهیت ایشان طراحی ننموده، بلکه صرفاً تشدید مجازاتی از جنس مجازاتی که برای اشخاص حقیقی طراحی شده را تصویب نموده است. به عنوان نمونه در قانون مدیریت پسماند وقوع جرم از سوی بیمارستانها و نهادهای مشابه را با سقف بالاتری از مجازات اشخاص حقیقی کیفرگذاری نموده است.^{۳۲}



دولت، به پرداخت خسارت به اشخاص و یا جبران خسارت وارده بنا به درخواست دستگاه مسؤول محکوم خواهد نمود.

^۱ ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

^۲ آیین نامه اجرایی قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۴

^۳ پیش نویس قانون جدید نیز بر این مسئله متمرکز نیست و تنها در ماده ۱۷ خود تلاش نموده تا انواع دیگری از جرایم را تشریح نماید.

نتیجه گیری

به نظر می‌رسد گریزی از بکارگیری رویه های الزام آور برای تبعیت شهروندان از مقررات کنترل کننده جرایم پسماندی نباشد اما اولویت در استفاده از روش های تشویقی با حداقل برخورداری از اجبار آشکار و قهری است. کنترل جرایم پسماندی پدیده ای اجتماعی است که حل آن مستلزم راهکارهایی به جز بستر قضایی و حقوقی است. طراحی اجبار محور فرایندهای کنترلی باعث می‌گردد شهروندان سیاست‌ها و مقررات کنترل کننده را منطبق با واقعیت‌های زندگی روزانه خود ندانسته و متابعت از آن را مشروع قلمداد ننمایند. هدف عدم وقوع و تکرار جرایم پسماندی بیش از هر موضوع دیگری در مداخله دارای اهمیت است؛ لذا اجرای رویکرد انطباقی متضمن مشارکتی نمودن مقررات گذاری و توسعه فرهنگ یادگیری، ارزیابی زمینه ها و علل وقوع و پرهیز از کیفی سازی رابطه است و این مهم تنها با اعمال رویکرد تنظیم گری پاسخگو و مشارکت امکان پذیر است. بهره مندی از رویکرد های اجبار محور شهروندان را در مسیر عدم مشارکت قرار می‌دهد، لذا ابتناء بر این رویکرد می‌بایست محدود گردد. الزام نهفته در هرم های تنظیم گری، ضمن اینکه شهروند را با دورنمایی از نتیجه عدم متابعت روبرو می‌کند، از عیان نمودن الزام نیز پرهیز می‌کند، لذا با واقعیت‌های روز زندگی شهروندان همخوانی بیشتری دارد. به نظر می‌رسد موثرتر از بازدارندگی بر اساس نفع و هزینه، این باشد که شهروند در مواجهه با نتایج فعل خود باطناً متأثر و شرمسار گردد. عدالت ترمیمی این ظرفیت را دارد تا این مهم را به سرانجام برساند. کنترل جرایم پسماندی نیازمند نوعی راهکار است که تمامی کنشگران و عوامل مؤثر در بروز این وضعیت را برای حل مسئله پای کار بیاورد. مدیریت شهری به تنهایی امکان حل این مسئله را ندارد. از جانب دیگر توجه جدی می‌بایست به اجرا کنندگان مقررات در سطح خیابان واقفان ایشان مبذول گردد چرا که برای شهروندان بیش از اهمیت نتیجه حاصل از کنترل، شیوه و نحوه حصول این نتیجه و تجربیاتشان با آن دارای اهمیت است. رویکرد پیمانکاری به کنترل جرایم پسماندی می‌بایست با سازوکار تنظیم گری خصوصی^۱ همراه گردد، توانمند سازی نهادهای خصوصی برای تدوین استانداردها و رویه های ارزیابی و

¹ Privet regulation

ارزشیابی رفتار نهادهای عمومی، مانند شهرداری ها، با تعامل رسمی یا غیر رسمی با این نهادها و تهیه گزارش‌هایی از بیرون که اثربخشی اقدامات مداخله را بصورت ادواری بررسی و گزارش نماید، بر شفافیت فرایند پیمانکاری بسیار موثر خواهد بود. اگرچه پیش‌نویس قانون جدید مدیریت پسماند سعی نموده از بعضی از نظریه‌های شاخص جرم‌شناسی همانند طراحی محیطی و پیشگیری از طریق کیفی سازی روش تولید مواد بهره‌بردار اما تاکید بیش از حد آن بر روش‌های موقعیت‌مدار نوعی بی‌توجهی به مفاهیم اجتماعی را در پی داشته است لذا به‌نظر نمی‌رسد تشدید کیفرها و الزام به استفاده از پسماند به عنوان سوخت تولیدکنندگان سیمان و اجازه صادرات پسماندها بتواند در حل مسئله وقوع جرایم پسماندی موثر باشد.



فهرست منابع فارسی

۱. خاقانی اصفهانی، مهدی. (۱۴۰۳). حقوق کیفری در کشاکش خرد ابزاری و خرد ارتباطی، تأملی از منظر مکتب فرانکفورت، مجله مطالعات فلسفه حقوق، (۲۰)، صفحات. ۹۷-۱۲۰
۲. سروی، جعفر و شیخ الاسلامی، عباس، (۱۴۰۲)، ارزیابی عملکرد ۲۰ ساله شهرداری مشهد در حوزه مداخله در جرایم و تخلفات شهری، دهمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین‌المللی برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری، مشهد، <https://civilica.com/doc/1876208>
۳. علی اکبری رستم و همکاران، (۱۴۰۱)، گفتمان سیاست تسامح صفر در نظام کیفری ایران، بسترها و زمینه‌ها، دوره ۵، شماره ۱۱، صص ۱۲۵-۱۵۰
۴. نوبهار، رحیم و شاه بیگی، ایمان. (۱۳۹۹). تحول پارادایم تنبیه به تنظیم در پرتو نظریه تنظیم‌گری پاسخگو. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۵۰(۲)، ۵۱۵-۵۳۹. doi: 10.22059/jqclcs.2021.261326.1325
۵. صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) (۱۳۹۰)، کتاب راهنمای برنامه‌های عدالت ترمیمی، مترجم: عزیزالله سمیعی، تهران، شرکت ایماژ.

انگلیسی

- 1- Braithwaite /Restorative Justice And Responsive Regulation / 2002/Published By Oxford University Press, Inc. /198 Madison Avenue, New York, New York 1001ia
- 2- Braithwaite Valerie /Regulatory Theory Foundations And Application/2017/Available At <https://www.jstor.org/stable/j.ctt1q1crtm>
- 3- Braithwaite. J /Maximal Accountability With Minimally Sufficient Punishment/2022/ The Journal Of Corporation Law Vol. 47:4/Available At https://jcl.law.uiowa.edu/sites/jcl.law.uiowa.edu/files/2022-09/Braithwaite_Online.Pdf

- 4- Braithwaite/ Street-Level Meta-Strategies : Evidence on Restorative Justice and Responsive Regulation/2021/ Anna. Rev. Law. Soc. Sci. 2021. 17:205-225.
Available At [Http // : Www . Annualreviews . Org](http://www.annualreviews.org)
- 5- Crawford Adam/Restorative Justice And Antisocial Behavior Interventions As Contractual Governance/2009/Doi:10. 1201/9781420084450. Ch8/Available At [Https ://Www . Researchgate . Net/Publication/299636995](https://www.researchgate.net/publication/299636995)
- 6- Kolieb, Jonathan. (2015). when to punish, when to persuade and when to reward : strengthening responsive regulation with the regulatory diamond. Monash University law review. Monash University. Faculty of Law. /Available at [https://www . researchgate . net/publication/285591286/](https://www.researchgate.net/publication/285591286/)
Retrieved 22 November 2023
- 7- Mary Ivec/An Applications Of Responsive Regulatory Theory In Australia And Overseas/2015/Regnet Occasional Paper 23/

